بنام خدا

چکیده:

گاهی بجای سبب نزول تعبیر شأن نزول بکار می رود به هر حال این دو از یکدیگر منفک نیستند و

آنچه مهم است کاربرد آن در گذشته وتأثیر آن در حال و آینده است.

حوادث مهم ، جالب ، یا خطرناک و شرایط خاص در عهد رسالت پیامبر ومسلمانان آن روز وسوال و پرسش مردم در مسائل گوناگون به گونه ای بود که می بایست آیات و یا سوره هایی نازل شود تا درس عبرتی برای انسانهای آن زمان و دیگر زمانها باشد تا با تعریف وقایع مربوطه فهم دین و حقایق قرآن برای همگان روشن گردد.

بیان سبب نزول راه استواری برای فهم معانی قران است که بی اطلاعی از سبب نزول شماری از آیات زمینه ی انحراف و لغزش در فهم آنرا فراهم می کند .

کلید واژه: تعریف لغوی و اصطلاحی اسباب نزول – شناسایی - اهمیت و ارزش اسباب نزول و فایده آن - ومعیارهای پذیرش اسباب نزول

1

مقدمه:

و آتیناه من کل شی سببا

ما به او( ذوالقرنین) از هر چیز که خواست وسیله ای دادیم(کهف:83)

عیاشی در تفسیرش به سند خود از حضرت باقر (ع)روایت کرده که فرمود: هر که به رأی خود قران را تفسیر کند اگر بر سبیل اتفاق راست گفته باشد اجر و پاداش نخواهد داشت و اگر خطا کند آن مقدار از خداوند دور شود که آسمان از زمین دور است.1

برای فهم دقیق آیات اسباب و سببی لازم است که آن ، اسباب نزول است. در این تحقیق سعی شده با جمع آوری نظرات بزرگان و علماء از کتب مختلف ، هدف اصلی از شناخت اسباب نزول ارائه گردد تا آیه عام یا مطلق ویا خاص یا مقید و غیره ازمسائل علوم در قرآن راه گشای فهم حقایق برای مفسر باشد وبدین ترتیب حق مطلب اداء گردد.

 ومطلب دیگر اینکه گاهی نزول مجدد آیات رادر قرآن می بینیم که نیاز به بررسی دوباره شأن نزول ندارد زیرا برای تذکر و تطبیق بر حادثه ی ویژه ای بود که پیش بر پیامبر(ص) نازل شده است .

در شناخت اسباب نزول باید دانست که شأن نزول همگام با روایات تأییدی است به جدائی ناپذیری قران و عترت، که در این باب معیارهای سندی و محتوائی مد نظر قرار می گیرد، زیرا مفاهیم قرآن با رعایت شأن نزول اگر چه که محدود نمی گردد بلکه مفاهیم عام و فراگیری تأویل دارد که بر مصادیق گوناگون خود در طی زمان انطباق می یابد.

انتظار می رود که استاد محترم کاستیها و خطاهای بنده را در این تحقیق ببخشند وبرای اصلاح بهتر کار دیدگاه خود را مطرح سازند.

------------------------------------------------------------------------------------------

1- تفسیر عیاشی ج1- ص17- ح

2

اسباب نزول

-----------

معنای لغوی اسباب:

اسباب جمع سبب می باشد و خود سبب از لحاظ لغت دارای معانی زیر است:

رسن یا ریسمان و هر چه بدان به دیگری پیوسته شود ، خویشاوندی ، حیات، ناحیه وراه و امثال آنها.1

کلمه سبب و اسباب در قرآن کریم بر طبق پاره ای از مفاهیم یاد شده به کار رفته است.

معنی اصطلاحی اسباب نزول :

برای بیان معنای اصطلاحی اسباب نزول باید بطور فشرده آیات و سور قرآن کریم را در این مورد بررسی کنیم زیرا در قرآن با دو نوع از آیات و سوره ها مواجه هستیم.

آیات و سوری که فاقد "اسباب النزول " خاص هستند و آیات و سوری که دارای "اسباب نزول " خاص می باشند.

آیات و سوری که فاقد اسباب النزول خاص می باشند ، شامل بخشی از قرآن می گردند که ما در زیر از آنها یاد می کنیم:

الف: آیات و سوری که تاریخ زندگانی و حوادث و رویدادهای مربوط به امتّهای گذشته در طی آنها مطرح است که از لا به لای این حوادث عبرت آموز تمام انسانها در هر عصر رمز سعادت و یا

 شقا وت و بدبختی و تعالی یا انحطاط ملتّها را باز یافته و می توانند در زندگی فردی یا اجتماعی از این رموز بهره گیرند و عوامل سعادت و سرافرازی ملتها را شناسایی کرده و به آن روی آورند واز عوامل سعادت سوز وشقاوت ساز بپرهیزند.

مواردی چون اخبار غیبی و ترسیم دور نمای عالم برزخ و بهشت و دوزخ و حالات روز قیامت و گزارش احوال بهشتیان و دوزخیان که نمی توان برای آن سبب نزول خاصی را جستجو کرد.

1- مرحوم طبرسی می نویسد : سبب عبارت از هر چیزی است که می توان به وسیله آن به هدف رسید و از این جهت است که به ریسمان و راه و در "سبب" می گویند

.

مجمع البیان 73/7 )

3

آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند:

در بررسی آن می توان آیات و سوری را دید که آن سبب و علّت نیز همزمان با نزول وحی روی

می دهد یعنی در زمان نبی اکرم روی داده است.

به عبارت دیگر حوادث مهم ، جالب یا خطرناک یا اوضاع و شرایط خاص مسلمانان آن روز که به دنبال آن آیات و احیانأ سوره هایی نازل می شد ، در اینجا مختصرأ به بعضی از آن وقایع اشاره

می گردد:

یکی از حوادث جالب و سازنده همگامی صلوة با زکوة است که در اکثر آیات قرین یکدیگرند:

انّما ولیّکم الله و رسوله والذّین آمنوا الّذین یقیمون الصّلوة و یوتون الزّکوة و هم راکعون.

(مائده55 -56)

ولی و سرپرست واجب الطّاعة شما صرفأ عبارتند از خدا و رسول او ، و نیز آن کسانی که دارای ایمان هستند : کسانی که اقامۀ نماز می کنند و صدقه و زکوة خویش را در حال رکوع (و عالیترین و لطیف ترین حالت نیایش) به تهیدستان می پردازند.

به حق یعنی آنگاه که علی در حال رکوع نماز توجه به خلق و مستضعفان را بعنوان نتیجه و لازمۀ توجه به حق اعلام کرد که در پی آن آیه فوق نازل شد.

داستان از این قرار است : مرد بینوا و تهیدست در مسجد از مرد کمک خواست ،کسی چیزی به او نداد این مرد بینوا دستها را سوی آسمان برگرفت و گفت:

خدایا! تو گواه باش که من در مسجد رسول (ص) از مردم کمک خواستم لکن کسی به من چیزی نداد علی(ع) همزمان با این جریان در حال رکوع نماز به سر می برد و انگشت (خنصر- خرد یا میانه)

دست راست خود را بطرف این سائل نشانه رفت و بدو اشاره کرد . سائل انگشتری را از دست آنحضرت بیرون کشید . رسول خدا(ص) شاهد این صحنۀ دل انگیز بود.

آنگاه که پامبر نماز را به پایان برد سر به سوی آسمان بر داشت و عرض کرد :

 خدایا! برادرم موسی در خواستی با تو در میان گذاشت وتو در قرآن فرمودی:

سنشدّ عضدک بأخیک و نجعل لکما سلطانأ فلا یصلون الیکما (قصص : 35)

قریبأ بازویت را به وسیله برادرت ، سخت و استوار خواهیم داشت و برای شما دو نفر آنچنان سلطه و فرمانروایی مقرر خواهیم کرد تا به شما نرسند و نتوانند بر شما چیره شوند.

4

الّلهم فانا محمّد نبیّک وصفیّک . اللّهم فاشرح لی صدری و یسرلی امری و اجعل لی وزیرأ من اهلی علیأ اُشددبه اٌزری.

بار خدایا ! من محمد پیامبر تو و برگزیده تو {در میان خلق } هستم . بار خدایا ! پس به من شرح صدر مرحمت فرما ......برای من وزیری از خاندان من – یعنی علی (ع)- فراهم کن..........

سخن پیامبر به پایان نرسیده بود که جبرائیل(ع) از سوی خداوند متعال بر وی فرود آمد و گفت:

ای محمد! بخوان .

فرمود : چه بخوانم؟

عرض کرد : بخوان

"انّما ولیّکم الله و رسوله و الّذین آمنوا ............................

بسیاری از دانشمندان علوم قرانی و مفسران قرآن همچون ابو اسحاق ثعلبی – ابوبکر رازی –

رمّانی- طبری و دیگران گفته اند این آیه در بارۀ امیرالمؤمنین علی(ع) – بخاطر اهداء انگشتری خود در حال نماز به آن مرد تهیدست – نازل گردید.1

از موارد دیگراز آیات وسوری که شأن نزول خاص دارند:

تمام مفسران فریقین یاد آور شدند که سوره" هل اتی" در بارۀ امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه الزهرا(س) و حسنین (ع) و فضّه خادمۀ آنها نازل شد و غالبأ مدنی است.

 سوره "هل اتی = دهر ،انسان " در بارۀ امیرالمؤمنین علی(ع) و فاطمۀ زهرا(س)و حسنین (ع)و فضّه خادمۀ آنها نازل شد و غالباٌ این سوره را مدنی می دانند.

زمانی که امام حسن(ع) و امام حسین (ع) بیمار شدند رسول خدا (ص)با جمعی از مردم به عبادت آنها رفتند. امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه (س) و فضه ، کنیز آنها نذر کردند که اگر حسنین (ع) از این بیماری بهبودی یابند سه روز را روزه بگیرند ، آندو بهبودی یافتند امّا چیزی برای خوردن در اختیار نداشتند.

5

--------------------------------------------------------------------------------------

کاوشهایی در علوم قرآنی – اسباب النزول- دکتر سید محمد باقر حجتی

امیرالمؤمنین (ع) از شمعون خیبری یهودی سه صاع آرد قرض کرد که فاطمه (س) آن را آسیاب کرد و پنج قرص نان به تعداد افراد فراهم ساخت، ولی سه شب پشت سرهم بینوایی یا یتیمی یا اسیری به در منزل آمد و مطالبه نان کرد و بدین طریق اهل بیت (ع) گرسنه ماندند در چنین لحظه ای و با دیدن این منظره رسول (ص) خدا دعا کردند و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت : ای محمد این را بستان خدا تو و خانواده ات را تهنیت گفته . آنگاه سوره "هل اتی"را بر آن حضرت خواند.

ابو صالح و مجاهد وضحاک و حسن بصری و ابن جبیر و عمروبن شعیب و عطاء و قتاده و مقاتل و لیث و ابن عباس و ابن مسعود و حسن بن مهران و نقاش و قشیری و ثعلبی و واحدی در تفسیرشان و خطیب مکی در "اربعین" و ابوبکر شیرازی در "نزول قرآن فی امیرالمؤمنین " (ع) واشنهی در "اعتقاد اهل سنة" و ابوبکر محمد بن احمد بن فضل نحویدر "العروس فی الزهد " در باره سوره

 "هل اتی "روایت نموده اند.

در مورد سوره "عبس" دو گونه روایت به عنوان سبب نزول وارد شده است:

آیاتی از اوائل این سوره در مورد عبدالله بن ام مکتوم فهری نازل گردید. روزی ام مکتوم بر حضرت رسول اکرم (ص) وارد شد در حالیکه ایشان با بزرگان قریش مذاکره سرّی داشتند .

او به پیامبر گفت: مرا اقراء کن و آنچه خداوند متعال به تو تعلیم داده است مرا تعلیم ده.

عبدالله در خواست خود را تکرار کرد ولی حضرت همچنان مشغول مذاکره بود .

عبدالله صدایش را بالا برد و حضرت از عمل او چهره اش درهم شد ولی برای حفظ محیط به مذاکره خود ادامه دادند. پس از چنین واقعه ای آیات سوره "عبس " بر پیامبر نازل شد.

آنحضرت پس از نزول سوره عبس ابن مکتوم را گرامی می داشت و آنگاه که وی را می دید

می فرمود:

" مرحبأ بمن عاتبنی فیه ربیّ" درود و آفرین به کسی که پروردگارم مرا در باره او مورد عتاب و سرزنش قرار داد.

در کتاب اسباب نزول دکتر حجتی بحثی پیرامون این آیه در مورد چهره عبوس پیامبر (ص) و دلالت بر آن آیه می شود.

6

آیا عبوس شدن پیامبر (ص) یک گناه اخلاقی تلقی می شود همچنانکه جبّایی می گوید. او ادامه

 می دهد: چنین رفتاری قبل از نزول آیه بوده و گناه اخلاقی محسوب نمی شود

.

پاسخ این است که دژم شدن چهره و یا انبساط و گشادگی آ ن در برابر یک فرد نابینا با هم فرق ندارد؛زیرا برای نابینا چهره درهم یا گشاده فرقی ندارد.پس نمی توان این حالت را در چنین شرایطی به عنوان گناه اخلاقی برشمرد.

نظریه سید مرتضی"علم الهدی" :

در ظاهر آیه های سوره"عبس" قرینه ای وجود ندارد که خطابهای عتاب آمیز آن مربوط به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) باشد.بلکه خطاب به فردی نامشخص است علاوه بر آن عبوس شدن در برابر دشمن و بیگانه از اسلام در خور مقام اخلاقی آنحضرت بخصوص در برابر مشتاقین هدایت نبوده است.

خداوند متعال در باره پیامبرش می فرماید: "و انّک لعلی خلق عظیم"(قلم :4)

پیامبر تو را خویی بس شگرف است.

مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیهما) می گویند: باید آیات سوره "عبس" در بارۀ مردی از بنی امیه نازل شده باشدبه این دلیل که:

1- همانطور که گفته شد حالات مذکور در سوره عبس به هیچوجه در خور شأن رسول اکرم (ص)

نمی باشد.

2- آیه سوره "ن و القلم" "انک لعلی خلق عظیم" از نظر ترتیب نزول بلافاصله پس از اولین سوره قرآن ، یعنی سوره علق قرار دارد.

بنابر این معقول نیست خداوند متعال خلق و خوی پیامبرش را در آغاز بعثتش عظیم بر شمرد ه و سپس او را از رهگذر پاره ای از حالات ناخوش آیند اخلاقی مورد سرزنش قرار دهد.

7

در بررسی آیات و بخصوص در مورد شأن نزول آیات به حوادث زشت و ویرانگر بر خورد می کنیم که جریاناتی را در پی داشته است از آن جمله ، دسیسه یهودیان و فتنه انگیزی آنها میان مسلمین. در آیه سوره آل عمران (100و 101) یا ایها الذّین آمنوا ان تطیعوا فریقا من الّذین اوتوالکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین......... من یعتصم بالله وفقد هدی الی صراط مستقیم.

خداوند متعال از پذیرا شدن و تسلیم مؤمنان در برابر گفتار و گزارشهای دسیسه آمیز یهودیان ،آنانرا بر حذر داشته است.

"اگر مردم پیوند استوار خود را با خدا و رسولش حفظ کنند مسلما به صراط مستقیم هدایت می شوند."

هدف آیه اینست که مسلمین را از انقسام و تفرقه و اختلاف و درگیری کاملاَ گریزان ساخته و آنان را به محبت و همبستگی و اتفاق و همیاری فرا خواند.

و دیگر لغزش و اشتباه فاحش و غیر اغماض از قبیل اینکه:

شخصی یا اشخاصی در حال مستی بر مردم در نماز امامت می کردند :

 قل یا ایهاالکافرون اعبد ما تعبدون – کلمه "لا " را در" لا اعبد" حذف کرد که مفهوم بسیار

 لغزنده ای را ارائه می کرد.

بدنبال این جریان آیه زیر نازل شد:

 " یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصّلوة و انتم سکاری حتّی تعلموا ما تقولون..... (نساء 43)

ای مؤمنین در حالیکه مست و مخمور هستید به نماز روی نیاورید تا بدانید آنچه را که بر زبان

می آورید.

معنا سکر از امام باقر (ع):

منظور از سکر و مستی عبارتند از سکر و نشأۀ خواب می باشد.

 مرحوم علامه طباطبا یی می نویسد:

منظور از نماز در این آیه اگر در معنای استعمال مجازی که عبارت از مسجد است بکار رود و دلیل آن آیه بعد باشد که در حال جنابت به مسجد در نیایید "و لا جنبا الا عابری سبیل"با تعبیر "حتّی تعلموا ما تقولون" مناسب به نظر نمی اید زیرا مقصود از جمله مواجه بودن با مقام کبریایی پروردگار است

8

 که شایسته نیست در چنین حالتی مست بوده و عقل شما با پلیدی خمر از کار می افتد و در نتیجه ندانید چه می گویید.

 گاهی پاره ای از این حوادث دسیسه ای بود که منافقین در سر می پروراندند و می خواستند عملاٌ هدف این دسیسه را تحقق بخشند.

افشاء و خنثی سازی ترفند های منافقین(مسجد ضرار)در آیه ذیل:

والذین اتخذوا مسجد ضرارا و کفرا بین المؤمنین و ارصادا لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفنّ ان اردنا الحسنی ........( توبه آیه 107).

آنانکه به منظور گزند وزیان رسانی و کفر ورزی و ایجاد تفرقه میان مؤمنین و تمهید کمینگاه برای کسانی که قبلاُ با خدا ور سول او به محاربه و نبرد بر می خاستند مسجدی را بنا و انتخاب کردند و سوگند یاد کردند جز خیر خواهی نظر دیگری نداشتیم.........

مرحوم طبرسی در ذیل "و ارصادا لمن حارب الله و رسوله" می نویسد.

ابو عامر راهب 1 برای منافقین پیغام فرستاد که آماده گردید و مسجدی را برای پیشبرد مقاصد منافقانه خود برپا سازید . من عازم روم هستم و نزد قیصر روم خواهم رفت و با سپاهیانی از سوی او به سوی شما خواهم آمد و محمد (ص) را از مدینه بیرون خواهم کرد.

رسول خدا (ص) پس ار بازگشت از غزوه تبوک و نزول آیات به عمار یاسر ووحشی و عاصم ابن عوف و چند نفر دیگر دستور دادند به سوی مسجد روند که اهل آن ستمکار و خائن هستند .

رسول خدا به آنان فرمودند: این مسجد را در هم کوبید و ویرانش سازید و همه مصالح قابل احترامش را بسوزانید و خاکسترش را به باد دهید.

9

------------------------------------------------------------------------------

ابو عامر راهب پدر "حنظله غسل الملائکه" بود کد در غزوه احد به مقام شهادت نائل آمد.

اهمیت و ارزش اسباب نزول و فایده آن

فایده اوّل : باز یافتن وجه وراز حکمت الهی در نحوه تشریع و قانونگذاری:

آگاهی به اسباب نزول دارای نقش عمده و اساسی در فهم مدلول و مفهوم آیات قرآن کریم است.

هر محققی از رهگذر آشنایی به اسباب نزول می تواند حکمتی را باز یابد که این حکمت ، بیانگر علّت و سّر و راز تشریع و وضع احکام و قوانین بوده است ؛ چون علم به سبب ، زمینه و مقدمۀ علم به مسبب است.

دیگر آنکه از طریق آشنایی با اسباب النزول می توانیم حکمت الهی را در مورد قوانینی که از رهگذر نزول آیات به مردم اعلام شده است باز یابیم این آگاهی هم بحال مؤمنین سودمند است و هم کافران را بکار آید.

امّا آنچه مهّم و قابل در یافت است اینکه مؤمنین با دریافت این آگاهی بر مراتب ایمانی خود

 می افزایند و بدینوسیله شوق و تمایل خود را در اجرا قوانین و عمل به مضامین قرآن کریم بر

 می انگیزند.

امّا کافر در صورتی که منصف باشد – به این نتیجه می رسد که قانونگذاری اسلام بر اساس رعایت مصالح انسانی پی ریزی شده است نه بر استبداد و زورگویی و طغیان و ارضاء و هوس.

فایده دوم- شناخت اسباب نزول

تخصیص حکم به سبب از دیدگاه کسانی که ملاک را عبارت از خصوص سبب می دانند نه عموم لفظ.

گاهی آیاتی نازل می گشت که دارای تعبیری عام بوده و حکم آن ظاهرأ به همه مردم مربوط می شد امّا سبب نزول آن آیه و یا آیات عبارتند از جریانی بود که به فرد و یا افراد خاصی ارتباط داشت به عنوان نمونه آیات ظهار که در آغاز سوره مجادله به چشم می خورد :

10

تعبیر عام آن "الذّین یظاهرون " و سبب نزول آن عبارتند از جریانی بود که میان زن وشوهری روی

 داد.

ظهار1 در دوران جاهلیّت به منزلۀ "طلاق" در اسلام بود . آنگاه که صیغه "ظهار" از سوی شوهر نسبت به زن جاری می شد ، میان آن دو رشته زن وشوهری گسیخته می گشت ، و ازآن پس این زن بر آن شوهر حرام می گشت و هیچگاه امکان رجوع نبود .

فایده سوم شناخت اسباب نزول:

در شناخت اسباب نزول باید وقوف و آگاهی به مدلول صحیح آیات و رفع ابهام از چهرۀ مفاهیم ظاهری آنها کرد .

فی المثل: غثمان بن مظعون بن حبیب بن وهب جمحی(م2 ه.ق)و عمروبن معدی کرب بن ربیعة بن عبدالله زبیدی(سال نهم هجری اسلام آورد)چنین باز گو می کنند:

شرب خمر مباح است و برای اثبات سخن خود به آیه زیر استشهاد و استدلال می کنند.

"لیس علی الذین آمنوا و عماوالصالحات جناح فیما طعموا اذا ما اتقّوا و آمنوا و عملوالصالحات ثمّ اتقوّا و آمنوا .........(مائده 93)

بر کسانی که دارای ایمان و کردار شایسته ای بودند چنانچه قبل از نزول تحریم خمر چیزی از خمر را چشیده باشند جرم و بزهی بر آنها نخواهد بود . امّا به شرط آنکه از کفر بپرهیزند و ایمان را از دست ننهند و کردار شایسته ای را در پیش گیرند ، آنگاه به تقوای خویش تداوم بخشده و برایمان خود پایدار بمانند....

11

ا- ظهار مصدر ظاهر و مشتق از" ظهر " به معنی پشت است . وصیغه ظهار بدین صورت اجرا می شد که شوهر به زن خود می گفت "انت علیّ کظهر امّی "

امّا اگر آندو از سبب نزول این آیه آگاه بودند چنین سخنی را بر زبان نمی آوردند. سبب نزول آیه مزبور این بود:

عده ای از مردم – آنگاه که آیه حرمت خمر نازل گردید – می گفتند : چه خواهد شد حال کسانی که در راه خدا کشته شدند و دنیا را از این رهگذر ترک گفتند ، اما خمر که رجس و پلید بود

می نوشیدند؟

در پی چنین تردید و نگرانی بود که آیه مذکور نازل گردید مینی بر اینکه چون هنوز حکم تحریم ابلاغ نشده بود برکسانی که قبلاَ خمر نوشیده بودند جرمی نیست.

فایده چهارم شناخت اسباب نزول:

یکی از فوائدی که بر شناخت "اسباب نزول " مبتنی استعبارتند از پی بردن به نام شخص و یا اشخاصی که آیه و یا آیاتی در بارۀ آنها نازل گردیده است. در این رهگذر فردی که مبهم یا متهم و یا بی گناه به نظر می رسد مشخص خواهد شد.

برای ارائه چنین فائده ای می توان به آیه زیر استشهاد کرد.

والذی قال لوالدیه اف لکما آتعداننی ان اخرج و قد خلت القرون من قبلی و هما یستغیثان الله ............(احقاف-17)

آن کس که به پدر ومادر خود می گفت: وای بر شما ! آیا به من وعده می دهید که مرا از گور برون آورده و دوباره زنده کنند در حالیکه قرنها قبل ازمن برروزگار سپری گشت و گروه زیادی از مردم از دنیا رفتند لکن تا کنون هیچیک از آنان سر از گور خویش بر نیاورده و زنده نشد.

این پدر و مادر از خدا در خواست می کردند که فرزندشان را مشمول لطف قرار داده تا از نعمت ایمان برخورد گردد ، و نیز به همین فرزندشان می گفتند : وای بر تو به قیامت و سخنان پیامبر اکرم(ص) ایمان آور ، چرا که وعده خدا حق است وروز قیامت و حیات دو باره و ثواب و عقاب اخروی قطعاٌ تحقق خواهد یافت.

12

مروان در بارۀ عبد الرحمن ابن ابی بکر می گفت: وی عبارت از آن کسی است که آیۀ " والذی قال لوالدیه اف لکما" در بارۀاو نازل شده است .عایشه این سخن مروان را رد کرد و سبب نزول آنرا توضیح داد که فرد دیگری از این ایه مد نظر است.

مرحوم طبرسی می نویسد: آیه مذکور در بارۀ عبد الرحمن ابن ابی بکر نازل شده که پدر و مادرش اورا به اسلام دعوت می کردند و در این دعوت نیز پافشاری می نمودند. لکن عبد الرحمن به آنها می گفت :" عبدالرحمن ابن جدعان" و بزرگان قریش را برای من زنده سازید تا از آنها راجع به ادعا شما دربارۀ دین و قیامت سئوال کنم.

مرحوم علامه طباطبایی پس از نقل روایات می گوید: اگر روایات مربوط به نزول این آیه در بارۀ عبدالرحمن بن ابی بکر درست باشد نمی توان از صراحت آیه ای که پس از آن آمده است گریخت اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس انّهم کانوا خاسرین.

(احقاف 18)

طبرسی به نزول آیه در بارۀ عبدالرحمن بن ابی بکر یاد می کند می گوید: به قرینه آیه سوره احقاف (اولئک) که به صورت صیغه جمع آمده است آیه " والذی قال لوالدیه..) را باید عام تلقی کرد که شامل کافر و هر فردی می گردد که گرفتار عقوق والدین می باشد.

یعنی در آیه مذکور خصوص لفظ در مد نظر نیست ؛ بلکه عموم از آن اراده می شود . 1

13

----------------------------------------------------------------------------------------------

1- مجمع البیان 9/87

آیا ملاک عموم لفظ است یا خصوص سبب:

اگر لفظ عام باشد شامل همه افراد می گردد ولی آنچه ملاک و معتبر می باشد عبارت از خاص بودن سبب است و شمول اینگونه آیات بر تمام افراد مشابه از راه دلیل دیگری استفاده می شود. چنانکه حکم بسیاری از آیات – به اتفاق همۀ علماء و مفسرین – به خاط دلیلی که وجود دارد به موارد نزول آنها محدود و منحصر می باشد لکن شمول آنها بر تمام افراد از طریق و قرینۀ دیگری استفاده می شود.

"ویلٌ لکل همزه لمزه الذی جمع مالاً وعدده،یحسب انّ ماله اخلده، کلا لینبذنّ فی الحطمه....

وای بر هر طعنه زن سخن چین وبدگو ، آن که مال بر هم می نهد و آنرا بر می شمارد .و پندارد که مال او را پاینده دارد...........

زمخشری در بارۀ سوره همزه گفته است :

بعضی می گویند: این سوره در بارۀ اخنس بن شریق- که عادت او غیبت و آسیب رساندن به مردم بازبان بوده است – نازل شد.

بعضی می گویند : در باره امیة بن خلف نزول یافت.

و عده ای هم می گویند : این آیات در بارۀ ولید بن مغیره و غیبت کردن او از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)و گوشه چشم زدن و استهزاء او نسبت به آن حضرت است.

اما سبب این سوره خاص است لکن وعید و تهدیدی که در آن وجود دارد عام می باشد تا شامل همۀ کسانی گردد که مرتکب چنین عمل زشتی می شوند1.

14

* الکشاف5 /795

والسّارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما......(مائده38)

دزد اگر مرد است و اگر زن دست آنانرا ببرید..

از ابن عباس نیز روایتی نقل شده است که وی عموم لفظ را معتبر می دانست زیرا او با اینکه آیه سرقت در مورد زنی که سرقت کرده بود نازل شد- قائل به عموم حکم این آیه است.

ابن ابی حاتم می گفت : حدیث کرد ما را علی ابن الحسین ، و او گفت: گزارش کرد ما را محمد بن ابی خماد، و وی گفت : حدیث کرد ما را ابو ثمیلة بن عبد المؤمن از نجده حنفی که نجده می گفت:از ابن عباس در مورد این آیه سؤال کردم؟

"آیا حکم این آیه عام است یا خاص" در پاسخ گفت:حکم آن عام است.

خلاصه ای از اسباب نزول این آیه:

در( کشف الاسرار 3/327، 3/114) در خبر عمر است که :

در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی زیوری را سرقت کرد او را بگرفتند و به حضور رسول خدا (ص) بردند و عرض کردند:

این زن ازما زیوری را سرقت کرد. حضرت دستور داد دست راست او را قطع کنید . آیا می توانیم دست او را با پانصد دینار باز خرید کنیم ؟

حضرت به این در خواست التفاتی نفرمود. و بار دیگر فرمود : دست او را ببرید .

زن گفت آیا اگر توبه کنم مورد قبول واقع خواهد شد ؟

حضرت فرمودند: آری توبه تو مورد قبول واقع می شود و تو امروز پاکی از گناهان چنانکه آنروز که از مادر زادی.

پس آیه نازل شد: فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فانّ الله یتوب علیه انّ الله غفورٌ رحیم (مائده 39)

15

ان الله یامر کم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل انّ الله نعمّا یعظکم به انّ الله کان سمیعا بصیرا-(نساء – 56)

خداوند متعال به شما فرمان می دهد که امانات را در دسترس اهل آن قرار داده و آنرا رعایت کرده و به کسانی بسپارید که دارای اهلیت هستند.و نیز دستور داده است که به هنگام داوری در میان مردم بر اساس عدل و داد حکومت و داوری نمائید. و خداوند به گونه ای شایسته شمارا به کارهای خوب اندرز می دهدکه امانت را اداء کرده و از خیانت دست باز دارید که خداوند شنوا وبیناست.

این آیه از عموم وشمول نسبت به هر امانتی برخوردار است چرا که "الامانات "ساختار جمعی و معرف به "الف ولام" می باشد .

مرحوم طبرسی یادآور می شود که در تفسیر آیه "امانات" اقوال و آرائی دیده می شود:

الف: آیه دارای عموم نسبت به هر کسی است که هر نوع امانت به دست او سپرده می شود و امانت خداوند عبارتند از اوامر و نواهی او است و امانات بندگانش به چیزهایی مربوط می گردد که یکی از آنها به دیگری می سپارد ، مانند مال و امثال آنها.

ب: مخاطب این آیه عبارتند از متصدیان امور و زعماء قوم هستند که باید از رعیت مواظبت کرده و انان را به انجام وظایف مربوط به دین و شریعت وا دارند.

امام باقر (ع) و امام صادق (ع)در رابطه با این آیه فرمودند:

خداوند متعال به هریک از ائمه و پیشوایان دستور داده است که امور را به کسانی که پس از او می آیند واگذار کنند. مؤید آ ن آیه بعدی است: "یا ایها الذین آمنوا اطیعوالله و آطیعوالرسول و اولی الامر منکم...."که رعیت را به اطاعت و فرمنبرداری از اولیاء امور فرا خوانده است.

ج- این دو آیه که یکی از آن ما و خطاب به ما است و دیگری از آن شما و خطاب به شما است اولی" انّ الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها......... و دیگری یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و .....

این آیه خطاب به نبی اکرم(ص) می باشد که کلید کعبه را در روز فتح مکه از عثمانبن طلحه باز ستانده بودند و می خواستند در اختیار عباس عموی آنحضرت قرار دهند تا منصب پرده داری و سقایت از آن عباس باشد – دو باره به او باز گرداند.

16

اما ان نظریه را که به آن باید اعتماد کرد همان نظریه اول است که آیه شامل هر گونه امانت در مورد هر کسی می باشد ، علاوه بر آنکه دلیل و برهان مقتضی است که اگر امری از پی سببی وارد شود لازم نیست آنرا به مورد سبب محدود ساخت بلکه خصوصیات مورد از چنین امری الغاء شده و آنرا به صورت یک عام و قاعده کلی و دارای شمول در می آورد.

آنگاه خداوند متعال زعما و اولیاء امور را به حکومت عدل و داد فرمان می دهد.

 " سبب نزول آیه "فاینما تولوا فثّم وجه الله"

این آیه به پنج روایت می رسد.

الف: حدیثی که محمد بن جریر طبری و ابن ابی حاتم- از طریق علی ابن طلحه (از روات حدیث) از ابن عباس در کتابهای خود آورده اند که وی می گفت: وقتی رسول خدا (ص) به مدینه مهاجرت کرد خداوند متعال به او دستور داد بیت المقدس را قبلۀ خود قرار دهد. یهودیان از این جریان شادمان شدند. رسول خدا (ص) چند ماه به سوی بیت المقدس نماز می گذارند اما به قبله ابراهیم احساس شوق وعلاقه می نمود: لذا این قبله را از خدا در خواست نمود و سر به سوی آسمان می داشت و نگران لطف پروردگار بود که خداوند آیه زیر را نازل کرد:

" و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا للناس علیکم حجة........(بقره-150)

ای پیامبر! به هر جا که می روی و به سو که بیرون شوی چهره خود را فرا سوی مسجدالحرام بر گردان تا از سوی هیچیک از مردم علیه شما بهانه ای در میان نباشد.

یهودیان این تغیر قبله را بهانه کرده و به ستیزه جویی در آمدند.

حاکم از عبدالله بن عمر حدیثی آورده اند که می گفت: " فاینما تولّوا وجه الله" در مورد نماز استحبابی وارد شده است مبنی بر اینکه می توانی در حالیکه سوار بر مرکب هستی به هر سوئی که مرکب تو روی می آورد چنین نماز را بر گزار کنی"1

17

1- مجمع البیان 1/400- 400

ابن جریر حدیثی از مجاهد آورده که وی می گفت :آنگاه که آیه زیر نازل شد:

" ادعونی استجب لکم" (غافر: 60)

مرا بخوانید و از من در خواست کنید که به شما پاسخ مثبت خواهم داد.

مردم گفتند : در کدام سو به خدا روی آوریم و از او در خواست کنیم؟

در پی این سؤال آیۀ " اینما تولوا فثّم وجه الله" نازل گردید. البته این حدیث مرسل می باشد.

آیه " یسئلونک عن الروح........"(اسراء 85)

این روح کدام روح است :

مردم راجع به روح سؤال می کنند که آیا مخلوق و حادث است ؟خداوند متعال فرموده :

"قل الروح من امر ربی ..." یعنی روح یکی از فر آورده های فعل و خلق الهی است. علیهذا ممکن است روح چند چیز باشد: 1- روحی که قوام جسد به آن است.

2- جبرائیل- فرشته ای که وصف جالبی از آن در کتب حدیث آمده و زبان به تسبیح خداوند متعال

می گشاید.

3- عیسی ؛ که به "روح" نامبرده است.

لازم است که بیان گردد لفظ روح هم مذکر است و هم مؤنث و دیگر اینکه جمعی از مفسرین روح را در مفهوم هدایت به ایمان بکار می رود ویا در مفهوم متعارف آن که منشأ حیات اجساد بی جان

 می باشد.

 به هر صورت کلمه روح در آیات بسیاری – اعم از مکی و یا مدنی – مکرر یاد شده است که مسلمأ آن معنای حقیقی که در جانداران می شناسیم در مدنظر نیست.

18

 انواع روح در مضامین قرآن کریم:

1- گاهی روح در قرآن با ملائکه همراه است. من کان عدّوا لجبریل فانّه نزّله علی قلبک.... – نزل به الرّوح الامین........قل نزّله روح القدس......(مریم 17):

2- روحی که در انسان دمیده می شود. .....و نفخ فیه من روحه.....(الم سجده : 9)

3- روحی که مصاحب با مؤمنین است ........و ایّدهم بروح منه.......(مجادله:22)

4-بعضی از انواع روح بر انبیاء نازل شد: " ینزّل الملائکة بالرّوح.......(نحل 2)..........وایّدناه بروح القدّس......"(بقره 87)...........الیک روحأ من امرنا.......(شوری 52)

5- جانداران و گیاهان در غیر انسان حیاتی مقرر شده است ، و حیات نیز ظاهرأ متفرع بر وجود روح می باشد: نتیجه اینست که " یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربّی" پس روح از سنخ

" امر" است و بطور مطلق در قرآن بکار برده شده است. در برابر سؤال از اینکه روح قدیم است یا حادث؟ خداوند پاسخ می دهد مبنی بر اینکه روح از امر و فعل خداوند حادث شده است که بر این سخن ایراد وارد شده است.

 نتیجتأ سخن در مورد اسباب نزول و آیات قرآن بسیار است ولی آنچه مهم است باید بدانیم که با شناخت اسباب نزول علاوه بر اینکه از فهم نادرست آیات جلوگیری می شود مفاد آیه روشن می گردد ودیگر آنکه دفع توهم حصر می کند به گونه ای که حکم را از انحصار در مصادیق اشخاص خارج می کند ودیگر اینکه شناخت اشخاص وموقعیت آنان در صدر اسلام و یا شناخت مکی ومدنی بودن آیات و آسان شدن فراگیری و حفظ قرآن و مصادیق حکم آن ،شخص مؤمن را از رفتارهای افراطی بیش از حد خارج می کند.

19

آیات قرآن افزون بر مفاد اولیه و ظاهری (تنزیل) که بر مورد نزول آن منطبق می گردد، مفاهیم عام و فراگیری"تأویل" دارد که بر مصادیق گوناگون خود در طی زمان انطباق می یابد پس معیار های پذیرش اسباب نزول هم سندی است و هم محتوایی. اگر سند روایت مورد اطمینان باشد باید از معصوم و یا ناقل آن صحابیان باشد و اگر محتوایی است باید مفاد آن با حکم عقل و نقل قطعی تعارض نداشته باشد و همچنین با اصول و مسلمات مکتب اهل بیت ناسازگار نباشد و اگر روایاتی سند صحیح ندارد ولی محتوای آن با ظاهر و سیاق آیه و حکم عقل هماهنگ باشد و قراینی بر درستی آن وجود دارد در تفسیر آیات قابل اعتماد است.1

والسلام من اتبّع الهدی

20

1. علوم قران در مکتب اهل بیت علیهم السلام

منابع:

 1- کاوشهایی در علوم قرآن-اسباب النزول- دکتر سید محمد باقر حجتی- دفتر نشر فرهنگ اسلامی

2-علوم قرآن در مکتب اهل بیت علیهم السلام-علی اصغر ناصحیان- مشهد : دانشگاه علوم انسانی رضوی 1389

بسم الله الرحمن الرحیم

شناخت

اسباب نزول

استاد محترم:

دکتر احمد رضا غائی

 پژوهشگر: فاطمه پورشفیع

دانشگاه آزاد اسلامی

علوم قرآن و حدیث

بهار سال 93